

## به نام خدا

### فهرست مطالب

- ۱..... سخن نخست
- ۲..... آیا مذاکرات با ایران در دولت اوباما آغاز می‌شود؟
- ۴..... ریاست جمهوری اوباما رویکرد تهران را تغییر می‌دهد
- ۶..... آمریکا باید با دشمنانش مذاکره کند
- ۱۳..... دفتر حفاظت از منافع آمریکا در تهران نباید گشایش یابد
- ۱۵..... سیاست خارجی خاورمیانه‌ای اوباما
- ۱۸..... نامناسب بودن حمله نظامی به اقدامات هسته‌ای ایران
- ۱۹..... رویکرد و واکنش‌های احتمالی ایران به حمله آمریکا یا اسرائیل
- ۲۳..... در جست‌وجوی روابط گرم
- ۲۷..... آمریکا، اسرائیل، ایران: خنثی‌سازی تهدید وجودی
- ۲۹..... چگونه بر ایران فشار آوریم
- ۳۱..... بیانیه مشترک کارشناسان مسائل ایران
- ۳۳..... مخالفان مذاکره اوباما با ایران
- ۳۵..... جهان بدون آمریکا از نظر ایران
- ۳۷..... ایران از قرارداد امنیتی آمریکا با عراق استقبال می‌کند
- ۳۹..... سوریه ایران را رها نمی‌کند
- ۴۳..... ایران نفوذ خود در آمریکای لاتین را گسترش می‌دهد
- ۴۵..... جایگاه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در روابط خارجی ایران

## ماهنامه کاوش (۲۰)

کد موضوعی: ۲۶۰

شماره مسلسل: ۹۳۶۹

آذر ماه ۱۳۸۷

دفتر: مطالعات سیاسی



## ماهنامه کاوش (۲۰)

### سخن نخست

ماهنامه کاوش که اینک شماره ۲۰ آن در اختیار شماست با هدف انتقال چکیده مهم‌ترین مباحث خبری و تحلیل گروه‌های فکری و پژوهشی خارج از کشور در قبال مسائل ایران تهیه می‌شود. مسلماً درک شرایط بین‌المللی و اتخاذ سیاست‌های مناسب، در پرتو شناخت پشتوانه‌های فکری قدرت‌های رقیب حاصل می‌شود. لذا در اینجا تلاش شده است عمده‌ترین مطالب ماه گذشته مجله‌های علمی، سایت‌ها و پایگاه‌های تحلیلی غربی در قبال ایران به شکل خلاصه و جهت مراجعه بعدی اندیشمندان و محققان درج شود. در این شماره مقالاتی درمورد سیاست خارجی احتمالی آمریکا در قبال ایران، برنامه هسته‌ای و روابط منطقه‌ای آن با کشورهای عراق و سوریه و همچنین تعاملات فرامنطقه‌ای ایران در آمریکای لاتین آمده است.

مسلماً درج این مطالب و تحلیل‌ها به‌منزله تأیید آنها از جانب دفتر مطالعات سیاسی نیست. ماهنامه کاوش جهت تقویت و بهبود رویه از پیشنهادها و انتقادهای اندیشمندان محترم استفاده می‌کند.



عنوان: آیا مذاکرات با ایران در دولت اوباما آغاز می‌شود؟<sup>۱</sup>

نویسنده: هوارد لافرانچی

منبع: Christian Science Monitor<sup>۲</sup>

باراک اوباما در طول مبارزات انتخاباتی خود موضوع گفت‌وگو با دشمنان را به‌عنوان بهترین بخش از دیدگاه دیپلماتیک خود قرار داد و از آن موضع به‌ویژه در قبال ایران استفاده کرد تا تأکید کند که سیاست خارجی آمریکا تحت ریاست جمهوری وی در برابر ایران چگونه تغییر خواهد کرد. با این وجود به چند دلیل اساسی، مشاوران اوباما و کارشناسان مسائل ایران انتظار تغییر و تحول سریع در روابط ایران و آمریکا را ندارند:

۱. بحران اقتصادی بخش زیادی از توجه اوباما را مصروف خود خواهد کرد و احتمال دارد ابتکارهای مهم دیپلماتیک را به تعویق اندازد.
۲. کاهش شدید قیمت نفت ابزارهای ایران را محدود کرده و این کشور را معطوف به مسائل داخلی می‌کند و از فوریت مذاکره خواهد کاست.
۳. به دلیل انتخابات ریاست جمهوری ایران در سال آینده، دولت اوباما هر اقدامی را که به تضعیف غرب‌گرایان و مخالفان احمدی‌نژاد بیانجامد، متوقف خواهد ساخت. هیچ یک از این مسائل به این معنا نیست که می‌توان از ایران انتظار داشت که سرعت برنامه هسته‌ای خود را کاهش دهد چنانکه اخیراً آژانس انرژی اتمی در

1. Howard Lafranchi, "Iran: Will Talks Happen Under Obama?", Christian Science Monitor, 21 November, 2008.

۲. از نشریات معتبر در حوزه روابط بین‌الملل.



گزارش خود از ذخیره‌سازی اورانیوم غنی شده در ایران خبر داده است. با وجود این، برقراری روابط با شرکا و متحدان اروپایی آمریکا که در ایران نفوذ دارند محتمل به نظر می‌رسد. دولت جدید همچنین می‌تواند راه‌هایی برای بیشتر کردن تماس‌ها با مقامات سطح پایین‌تر ایرانی پیدا کند. دنیس راس، مشاور ارشد اوباما در خاورمیانه اعلام کرده است، اوباما آماده است به مقابله مستقیم با ایران بپردازد. کارشناسان مسائل ایران معتقدند معنای این حرف آن است که در حالی که گفت‌وگو و مذاکره امری اجتناب‌ناپذیر است، اولویت در دولت جدید، درست انجام دادن هر ابتکار مربوط به ایران خواهد بود.

آنچه آمریکا باید بلافاصله شروع کند برقراری و ترویج تماس با دیپلمات‌های ایرانی درباره مسائل حائز اهمیت برای هر دو کشور است مانند ثبات در عراق و افغانستان و امنیت خلیج فارس است. ابتکار دیگر تأسیس دفتر حافظ منافع آمریکا در ایران است که سبب می‌شود دیپلمات‌های آمریکا در تماس با مجموعه‌ای از ایرانیان از جمله دانشگاهیان و دانشجویان قرار گیرند.

با وجود این، حتی زمانی که اکثر کارشناسان خاورمیانه شانس هرگونه موفقیت سریع در رابطه با ایران را کم اهمیت جلوه می‌دهند برخی اصرار دارند که با این حال امکان دارد با ابتکارات دیپلماتیک و امکان بالقوه برای تأثیر غیرمستقیم بر ایران، امیدها بیشتر شود.

از سوی دیگر حل مسائل آمریکا و روسیه نشانه‌ای برای ایران خواهد بود که رفتار خود را تعدیل نماید. همچنین حمایت آمریکا از گفت‌وگوهای سوریه - اسرائیل علامت دیگری از رویکرد جدید آمریکا در منطقه مبنی بر جذب متحدان ایران است.



عنوان: ریاست جمهوری اوباما رویکرد تهران را تغییر می‌دهد<sup>۱</sup>

نویسنده: مهدی جدی‌نیا

منبع: Washington Prism<sup>۲</sup>

مسئله هسته‌ای ایران و روابط ایران - آمریکا از مسائل حساس مبارزات انتخاباتی آمریکا بود. این در حالی است که فشارها بر ایران افزایش یافته و مقامات این کشور به دنبال کاهش و مهار این فشارها هستند. بسیاری در ایران در انتظار تغییر شرایط پس از انتخابات ریاست جمهوری آمریکا هستند و منتظر وعده اوباما در مورد مذاکره بدون پیش‌شرط با ایران هستند. هر چند نزاع‌های سیاسی درون آمریکا و ایران در مورد رابطه دو کشور وجود دارد ولی مخالفان رابطه در موضع ضعف قرار گرفته و موضع موافقان گفت‌وگو تقویت شده است. شکستن تابوی مذاکره با آمریکا توسط احمدی‌نژاد بسیار آسان‌تر از سایرین است چرا که وی به خیانت به انقلاب متهم نمی‌شود در صورتی که محمد خاتمی رئیس‌جمهور پیشین ایران به شدت به جهت تلاش جهت بهبود روابط مورد انتقاد بود. برقراری روابط ایران با آمریکا با وجود انتخاب اوباما آسان‌تر می‌شود زیرا که رویکرد ایران نسبت به آمریکای امپریالیست با انتخاب فردی سیاه‌پوست تغییر می‌کند و ایرانیان سیاهان آمریکا را تحت ستم و سرکوب شده می‌پندارند.

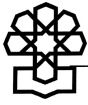
تمایل اوباما جهت مذاکره بدون پیش‌شرط با ایران، می‌تواند به وجهه داخلی

1. Mehdi Jedinia, "Obama Presidency May Change Attitudes in Tehran", Washington Prism, November, 2008.

۲. از پایگاه‌های نزدیک به دولت آمریکا که به چند زبان مواضع دولت آمریکا را در مسائل مختلف آسیایی، بین‌المللی و ... منتشر می‌کند.



حاکمان ایران بیافزاید. هر چند تلاش‌های گذشته کلاً به سرانجام نیانجامیده است. تصمیم‌گیرندگان ایرانی تصمیم گرفته‌اند فرصت ایجاد شده برای بهبود روابط را هدر ندهند. احمدی‌نژاد گفت‌وگوی بدون پیش‌شرط را دستاوردی مهم می‌داند. از سوی دیگر او با ما ایران هسته‌ای را باعث تغییر قاعده بازی در خاورمیانه می‌داند و از این‌رو مشخص نیست که او تحریم‌ها علیه ایران را تشدید نکند یا پرونده حقوق بشری ایران را مطرح نسازد.



عنوان: آمریکا باید با دشمنانش مذاکره کند<sup>۱</sup>

نویسنده: نیکلاس برنز

منبع: Newsweek<sup>۲</sup>

یکی از اصلی‌ترین و مطرح‌ترین اختلافاتی که در مورد سیاست خارجی بین باراک اوباما و جان مک‌کین وجود دارد، این است که آیا آمریکا باید با رهبرانی همچون محمود احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهوری ایران یا هوگو چاوز رئیس‌جمهوری ونزوئلا مذاکره کند یا خیر؟ به نوشته برنز، مک‌کین در هر سه مناظره ریاست جمهوری، اوباما را به‌عنوان شخصی ساده‌لوح که معتقد است آمریکا باید با چنین دشمنانی هم مذاکره کند، کوچک کرد.

در مناظره معاونان نامزدهای ریاست جمهوری نیز سارا پیلین یک گام جلوتر رفت و اوباما را به قضاوت بد متهم کرد که با توجه به سابقه متوسط خود وی در زمینه سیاست خارجی، بسیار طعنه‌آمیز بوده است. آیا حق با مک‌کین و پیلین است که آمریکا نباید با دشمنانش مذاکره کند؟ در این زمینه نویسنده این گزارش نیکلاس برنز تأکید می‌کند که: «من به‌عنوان یک دیپلمات حرفه‌ای، ۲۷ سال در دولت‌های جمهوری خواهان و دمکرات‌ها با این موضوع زندگی کرده‌ام و شاید به همین علت باشد که در یافتن دانش و منطق واقعی این حمله جمهوری خواهان علیه اوباما، با مشکل مواجه بوده‌ام. من شرط می‌بندم که اگر در میان دیپلمات‌های ارشدی که از زمان دولت جیمی کارتر تا دولت بوش خدمت کرده‌اند، یک نظرسنجی انجام شود،

1. Nicholas Burns. "We Should Talk to Our Enemies", Newsweek, October 25, 2008.

۲. از مهم‌ترین نشریات آمریکایی در حوزه مسائل سیاسی و روابط بین‌الملل.



اکثریت قاطع آنها با این موضوع موافق هستند که ما باید هنگامی که این مسئله در راستای منافع ملی باشد و در زمانی که انتخاب می‌کنیم، با دشمنان سرسخت خود مذاکره کنیم.

سؤالی که خصوصاً برای مک کین و پیلین، چالشی‌تر و مناسب‌تر است، عکس این مسئله است: آیا این واقعاً عاقلانه است که اعلام کنیم ما هیچ‌گاه با چنین رهبرانی مذاکره نخواهیم کرد؟ آیا این واقعاً در راستای منافع بلندمدت ملی است که خود را از یکی از مهم‌ترین و قدرتمندترین کشورهای خاورمیانه (ایران) یا یکی از اصلی‌ترین تأمین‌کنندگان نفت خود (ونزوئلا) محروم کنیم؟

نویسنده گزارش با اشاره به اینکه طی پنج دهه جنگ سرد، دولت آمریکا در زمان‌های مختلف، روابط خود را با رهبرانی همچون کیم ایل سونگ رهبر کره شمالی یا انور خوجه، رهبر آلبانی قطع کرد، تأکید می‌کند که در اکثر موارد حتی تندروترین رؤسای جمهوری ما در دوره جنگ سرد (دوایت آیزنهاور، جان کندی، ریچارد نیکسون و رونالد ریگان) که به این نتیجه رسیدند که مذاکره با دشمنان برای آمریکا منطقی است، هیچ‌کدام به ضعیف یا ساده‌لوح بودن متهم نشدند. بنابراین همه آنها با رهبران شوروی که برای بقای آمریکا بسیار خطرناک‌تر از احمدی‌نژاد یا چاوز بودند، مذاکره کردند. در این زمینه دقیقاً یک سال پس از آنکه آمریکا و شوروی از وقوع هولوکاست هسته‌ای در زمان بحران موشکی کوبا اجتناب کردند، جان اف کندی با نیکیتا خروشچف دشمن خونی خود معاهده منع آزمایش‌های هسته‌ای را به تصویب رساند.

نویسنده در ادامه مقاله خود آورده است که نیکسون که شاید بزرگ‌ترین رهبر



ضدکمونیست زمان خود بود نیز در سال ۱۹۷۲ به چین سفر کرد تا ۲۰ سال پس از قطع روابط دو کشور، در گفت‌وگو با مائو تسه تونگ، روابط پکن - واشنگتن را بنا نهد، زیرا که نیکسون معتقد بود که دیگر این قطعی رابطه به نفع آمریکا نیست.

تمامی این رؤسای جمهوری آمریکا که در دوران جنگ سرد رهبری آمریکا را برعهده داشتند، در حقیقت یادآور الگوی سیاست خارجی اسحاق رابین در اسرائیل بودند که یکی از سرسخت‌ترین و با تجربه‌ترین رهبران زمان ما بود. رابین از مذاکرات خود با یاسر عرفات این‌گونه دفاع کرده بود که شما با دوستان خود صلح نمی‌کنید، با دشمنان ناخوشایند خود صلح می‌کنید.

پس چرا آمریکا باید هم‌اکنون با روشی دیگر به سمت جهان برود؟ خصوصاً هم‌اکنون که آمریکایی‌ها آن را به صورت فاجعه‌باری در ۱۱ سپتامبر آموختند و بار دیگر در فصل پاییز، آن را از طریق بحران مالی درک کردند.

ما در کره‌ای زندگی می‌کنیم که به سرعت در حال یکی شدن است و در آن خطرات می‌توانند هر لحظه و از هر فاصله‌ای حمله کنند. در زمانی که سایر کشورها (چین، هند و برزیل) در حال ظهور هستند تا قدرت در جهان بین آنها هم تقسیم شود، آمریکا باید زمان بیشتری را صرف گفت‌وگو و شنیدن حرف‌های دوستان و دشمنان خود کند نه کمتر.

حقیقتی که آمریکایی‌ها باید به یاد داشته باشند، این است که تقریباً تمامی ضروری‌ترین چالش‌های جهانی (بحران در بازارهای مالی، تغییرات آب و هوایی و تروریسم) را نمی‌توان با عملکرد یک‌جانبه آمریکا در جهان حل کرد. به جای منزوی شدن، همچون کاری که گاهی در تاریخ خود انجام داده‌ایم، یا اتخاذ سیاست‌های



یک‌جانبه‌گرایانه‌ای که حامیان یک‌جانبه‌گرایی در یک دهه گذشته آن را به‌صورت فاجعه‌باری ترویج داده‌اند، ما باید خود را وارد یک راهبرد ملی تعامل هوشمندانه با سایر جهان سازیم. به‌عبارت ساده‌تر، ما باید هر اندازه که می‌توانیم برای خود دوست به‌دست آوریم. ما همچنین باید در مورد چگونگی خنثی کردن قدرت دشمنان از طریق دیپلماسی هوشمندانه، تفکر خلاقانه‌تری داشته باشیم، نه اینکه این کار را تنها از طریق نیروی نظامی انجام دهیم.

گفت‌وگو با دشمنان، ایده‌ای برای تفریح نیست و در مورد حل تمامی بحران‌ها تضمینی برای موفقیت‌آمیز بودن آن وجود ندارد، ولی این بسیار ناپخته، ساده‌لوحانه و غلط است که ادعا کنیم گفت‌وگو نشانگر ضعف یا دلجویی کردن است.

نویسنده گزارش سپس به نقش دیپلماسی در بهبود روابط آمریکا با کشورها اشاره کرده و نوشته است سفر کاندولیزا رایس به لیبی در ماه سپتامبر (به‌عنوان نخستین سفر وزیر امور خارجه آمریکا به این کشور طی پنج دهه گذشته) در واقع اوج دیپلماسی دقیق و سنجیده برای متقاعد کردن رهبران لیبی برای کنار گذاشتن تسلیحات کشتار جمعی خود و محکوم کردن تروریسم بود. اگر وی از گفت‌وگو با لیبی خودداری می‌کرد، نمی‌توانست به چنین پیروزی دست یابد. قطعاً برای مبارزه در جنگ‌های ما علیه گروه‌های تروریستی همچون القاعده، یک دیپلماسی موفق، باید با ارتشی قدرتمند و سرویس‌های اطلاعاتی قدرتمندی حمایت شود. ما باید دائماً به دشمنان خود این مسئله را یادآور شویم که از گزینه‌های دیگری، از جمله احتمال استفاده از زور، در صورت شکست مذاکرات برخورداریم، ولی در زمانی که دیپلماسی (یعنی توانایی ما در متقاعد کردن، گول زدن یا تهدید رقیب) راهی بهتر و مؤثرتر



است، نباید حل بسیاری از مشکلات جهان را بر دوش ژنرال‌های ارتش و افسران اطلاعاتی خود قرار دهیم. ما باید به توانایی خود در پیروزی بر حکومت‌های دشمن در پای میز مذاکرات و دادگاه عالی افکار عمومی بین‌المللی اعتماد داشته باشیم.

نویسنده در ادامه، این سؤال را مطرح می‌کند که به‌جای پیش‌فرض استفاده از نیروی نظامی علیه ایران، آیا منطقی‌تر به‌نظر نمی‌رسد که رئیس‌جمهوری بعدی آمریکا، پیشنهاد گفت‌وگو با رهبران ایران را مطرح کند؟

این مقام سابق آمریکایی در ادامه می‌نویسد: منطق این کار در آن است که اگر مذاکرات به نتیجه برسد، ما از وقوع سومین و احتمالاً فاجعه‌بارترین جنگ آمریکا در منطقه ناآرامی که خاورمیانه را به آسیای جنوبی متصل می‌کند، جلوگیری کرده‌ایم. اگر مذاکرات شکست بخورد ما از احتمال بیشتری برای متقاعد کردن روسیه و چین برای حمایت از تحریم‌های جدی علیه ایران برخوردار خواهیم بود. من فکر می‌کنم جنگ با ایران در صورتی که اول دیپلماسی را مورد آزمایش قرار ندهیم، بسیار غیرمعقول خواهد بود. نویسنده تأکید می‌کند که: من نمی‌گویم رئیس‌جمهوری بعدی باید فوراً با احمدی‌نژاد بر سر میز گفت‌وگو بنشیند. ما ابتدا باید تماس با ایران را در سطحی پایین‌تر آغاز کنیم تا متوجه شویم آیا ارزش دارد که اعتبار رئیس‌جمهور را وارد آن مسئله کنیم یا خیر؟

ما باید تهدید گزینه نظامی را بر روی میز حفظ کنیم تا در زمانی که با دولت ایران مذاکره می‌کنیم، از اهرم فشار بیشتری برخوردار شویم. در نهایت ما برای آنکه نتوانیم حداکثر فشار را علیه ایران وارد کنیم می‌خواهیم که هر کشور با نفوذ دیگری (همچون روسیه و چین) بر سر میز مذاکره طرف ما را بگیرد.



نویسنده تأکید می‌کند که از زمان انقلاب اسلامی، ۳۰ سال است که آمریکا گفت‌وگوهای جدی و معناداری را با ایران در مورد تمامی مسائل حیاتی مورد اختلاف نظر طرفین، انجام نداده است. برای به تصویر کشیدن اینکه ما چه اندازه خود را منزوی کرده‌ایم در مورد این موضوع فکر کنید: من مدت سه سال در دولت بوش به‌عنوان مسئول مسائل ایران خدمت کردم، ولی هیچ‌گاه اجازه ملاقات با ایرانیان را نداشتم.

خانم رایس برای جانشین من، زمینه حضور در ملاقاتی چندجانبه با مقامات ایرانی را در تابستان گذشته فراهم کرد. این گام نخست خوبی است، ولی رئیس‌جمهوری بعدی آمریکا باید مذاکرات پایداری را با مقامات ارشد ایران آغاز کند. اگر ما حاضر به مذاکره با ایران نباشیم، ممکن است تنها گزینه نظامی باقی بماند. رئیس‌جمهوری بعدی اگر نتواند از طریق گفت‌وگو مسئله هسته‌ای ایران را حل کند، از شانس بسیار اندکی برای ایجاد صلح در خاورمیانه برخوردار خواهد بود به همین صورت اگر ما از مذاکراتی که بین سوریه و اسرائیل در جریان است حمایت نکنیم، هیچ معاهده صلحی بین آنها ایجاد نخواهد شد. از سوی دیگر در افغانستان، رئیس‌جمهوری جدید با یکسری گزینه‌های بسیار دشوار - شبیه به گزینه‌های عراق قبل از افزایش تعداد نیروهای نظامی - مواجه خواهد شد. به اعتقاد نویسنده زیرکی راهبرد ژنرال دیوید پترایوس در عراق، تا حدودی پل زدن بین دشمنان قدیمی در میان شبه‌نظامیان سنی و گول زدن و فریفتن آنها برای تغییر دیدگاه بوده است. عده‌ای هم‌اکنون پیشنهاد می‌کنند ما راهبرد مشابهی را در قبال طالبان به اجرا درآوریم. زیرا که در شرایطی که قطعاً مذاکره با هواداران القاعده یا رهبران طالبان به



نفع ما نیست، اگر دست به این کار بزنیم، آیا این معنا را نمی‌دهد که ما سعی می‌کنیم حامیان طالبان در سطوح متوسط را متقاعد کنیم که مبارزه مسلحانه خود را کنار بگذارند و خود را متعهد به افغانستانی دموکراتیک کنند؟

نویسنده معتقد است که اگرچه به نظر می‌رسد این هدفی منطقی است اما این مسئله در کوتاه‌مدت بسیار مشکل‌ساز خواهد بود بنابراین اگر ما ابتدا موضع نظامی و سیاسی خود را تقویت کنیم و امنیت بهتری را برای روستاییان افغان تأمین کنیم، در این راه موفق‌تر خواهیم بود.



عنوان: «دفتر حفاظت از منافع آمریکا در تهران نباید گشایش یابد»<sup>۱</sup>

نویسنده: مایکل رویین

منبع: Council on Foreign Relations

این گزارش به بررسی موضوع گشایش دفتر حفاظت منافع آمریکا در ایران اشاره کرده و تلاش می‌کند تا با نقد رویکرد بوش در قبال این مسئله، بر ضرورت تجدیدنظر در مورد این تصمیم تأکید کند. در ابتدای این گزارش، نویسنده به ماجرای گروهان‌گیری در سفارت آمریکا در ابتدای انقلاب اشاره کرده و تأکید می‌کند که در شرایطی که برژینسکی و کارتر به دیدار بازرگان و یزدی رفته بودند، گروهی دیگر سفارت آمریکا در تهران را به تصرف درآوردند. به اعتقاد نویسنده آمریکا در آن دوره هیچ اشتباهی مرتکب نشده بود و اشغال سفارت این کشور در تهران نیز به مسائل سیاست داخلی ایران مرتبط می‌شد. در واقع با اشغال سفارت آمریکا، دولت موقت، مجبور به استعفا شد و این حادثه سبب تثبیت انقلاب اسلامی در ایران شد. بنابراین اگرچه کارتر درصد جلب حمایت میانه‌روهای ایران بود اما عملاً در مقابله با جریان انقلابی قرار گرفت. نویسنده در ادامه گزارش معتقد است که در ماجرای ایران - کنتررا نیز این شرایط تکرار شد و مسئله حضور مک‌فارلین در ایران و تمایل آمریکا برای تنش‌زدایی در روابط با ایران توسط گروه‌های انقلابی افشا شد. این مسئله نیز در پرتو تحولات سیاسی داخلی در ایران رخ داد و عملاً دولت ریگان را با

1. Michael Rubin, "The U.S. Should not Open an Interests section in Tehran", CFR Forum, November 4, 2008.

۲. شورای روابط خارجی آمریکا، مهم‌ترین رکن مؤثر در سیاست‌گذاری آمریکاست.



شکست بسیاری مواجه ساخت. نویسنده تأکید می‌کند که مجموعه‌های دیگری نیز در مورد این‌گونه رفتار ایران در قبال آمریکا وجود داشته است چنانکه همزمان با مذاکرات محرمانه‌ای که بعداً نیز میان نیکلاس برنز و مقامات ایرانی صورت گرفت، گروهی دیگر در ایران، آمریکا را به بن‌بست در خاورمیانه و ضرورت ترک منطقه فراخوانند. بنابراین در این شرایط نیز راه‌حل‌های دیپلماتیک نتوانست تنش‌های موجود میان دو کشور را برطرف کند. در پایان گزارش نویسنده پس از بررسی پیشینه‌های اقدامات آمریکا برای تنش‌زدایی با ایران، به مسئله گشایش دفتر حفاظت منافع آمریکا در تهران اشاره می‌کند. به اعتقاد نویسنده مادامی که در ایران یک اجماع میان گروه‌های سیاسی در مورد رابطه با آمریکا وجود نداشته باشد، زمان مناسبی برای تنش‌زدایی به‌وجود نیامده است. بنابراین رئیس‌جمهور جدید آمریکا در این مورد نه تنها باید به منافع آمریکا در قبال این مسئله بلکه باید به صحنه پیچیده سیاست ایران توجه داشته باشد و در شرایطی که دوگانگی در قبال نوع رابطه با آمریکا در ایران وجود دارد نسبت به تنش‌زدایی با ایران اقدام نکند.



عنوان: سیاست خارجی خاورمیانه‌ای اوباما<sup>۱</sup>

نویسندگان: پاتریک کلوسن و دیوید ماکفسکی

منبع: The Washington Institute on Near East Policy<sup>۲</sup>

رویکرد اوباما به مسائل خاورمیانه و جایگاه آن در سیاست خارجی آمریکا، محور اصلی این گزارش است. نویسندگان در این گزارش تلاش کرده است تا مواضع اوباما را در دوران رقابت انتخاباتی ریاست جمهوری مورد ارزیابی قرار داده و براساس آن سیاست خارجی احتمالی اوباما در قبال خاورمیانه را تجزیه و تحلیل کند. در ابتدای گزارش نویسندگان به مواضع اوباما در قبال عراق اشاره کرده و تلاش او برای تغییر رویکرد آمریکا در عراق را مورد بررسی قرار داده است. در این زمینه اوباما معتقد است که حضور آمریکا در عراق، فرصتی برای دولت عراق است تا از این طریق بر مشکلات موجود در این کشور فائق آمده و توانایی برخورد با مسائل پیچیده داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی را به دست آورد. بنابراین اگر عراقی‌ها تلاش بیشتری برای حل مشکلاتشان داشته باشند، آمریکا نیز کمک بیشتری به آنان در این مسئله خواهد کرد. به علاوه آمریکا تلاش خواهد کرد تا انگیزه مقامات سیاسی عراقی را برای حل مشکلاتشان افزایش داده و بدین منظور از تهدید آنان به خروج فوری از عراق و طرح امتیازاتی مانند تعهدات پایدار نسبت به عراق استفاده خواهد کرد. نویسندگان در این زمینه تأکید می‌کنند که این رویکرد اوباما می‌تواند به سبب تغییراتی که در عراق

1. Patric Clawson and David Makovsky, "The New President and the Middle East: From Campaigning to Governing", The Washington Institute on Near East Policy, November 7, 2008.

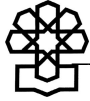
۲. یکی از مهم‌ترین پایگاه‌های مرتبط با حوزه خاورمیانه و خاور نزدیک است.



به‌ویژه در مورد کاهش ناآرامی‌ها به وجود آمده است تغییراتی داشته باشند. در ادامه گزارش، رویکرد سیاست خارجی اوباما نسبت به ایران مورد بحث قرار گرفته است. به اعتقاد نویسندگان مسئله ایران چالش‌های متفاوتی نسبت به سایر موضوعات سیاست خارجی برای اوباما به وجود خواهد آورد. در این زمینه از نظر نویسندگان، تلاش آمریکا برای تعامل با ایران اجتناب‌ناپذیر است و لذا آمریکا سعی خواهد کرد که خود را آماده مصالحه با ایران نشان دهد. نویسندگان معتقد است که آمریکا در قبال مسائل ایران تنها با ارائه امتیازات بیشتر می‌تواند فشار بیشتری نیز بر آن وارد کند. بنابراین تنها راه ممکن برای تحمیل نظرات آمریکا بر ایران، طرح پیشنهادات جدید و مؤثر خواهد بود. از سوی دیگر تعامل آمریکا با ایران به دلیل پیشینه موجود در روابط آنان و سوءظن دو طرف مشکل خواهد بود. همچنین ممکن است تمایل آمریکا به مذاکره با ایران، رویکرد ایران را رادیکال‌تر و غیرمصالحه‌جویانه‌تر نموده و برخی جریان‌های داخلی معتقد به تنش‌زدایی در روابط دو کشور را نیز تضعیف کند. علاوه بر این، گسترش تعاملات آمریکا با ایران عملاً تردیدهایی را در میان دوستان و متحدان آمریکا به وجود خواهد آورد. در این میان کشورهای همسایه ایران در خلیج فارس نگران خواهند شد که آمریکا در حال معامله‌ای استراتژیک با ایران به هزینه آنان است که در این معامله آنان باید با ایران همراه شده یا به‌تنهایی و با گسترش توان نظامی و تسلیحاتی خود با آن مواجه شوند. از سوی دیگر این تعاملات، سیگنال مهمی به اسرائیل مبنی بر پذیرش ایران هسته‌ای توسط آمریکا به امید مهار آن خواهد بود. در ادامه گزارش در این زمینه تأکید شده است که با توجه به این مسائل باید به اسرائیل نسبت به اتخاذ رویکرد دیپلماتیک در قبال ایران، اطمینان داده شود و تأکید گردد که



این موضع آمریکا تلاش برای مهار هسته‌ای شدن ایران است. مسائل مرتبط با صلح اعراب و اسرائیل بخش دیگری از گزارش حاضر است که در آن به وضعیت کنونی و بایسته‌های سیاست خارجی اواما در قبال آن اشاره شده است. به اعتقاد نویسنده، دولت اواما باید به دنبال تشکیل دو دولت اسرائیل و فلسطین باشد که البته زمینه‌های آن نیز با همکاری‌های کنونی اسرائیل و دولت خودگردان فلسطین مهیا شده است. با وجود این، مشکلاتی مانند مسئله شهرک‌نشینی همچنان یکی از موارد اختلاف میان آنان است. از سوی دیگر دولت اواما باید با حمایت از گفت‌وگوهای صلح سوریه و اسرائیل، سوریه را از حوزه نفوذ ایران خارج کند. این مسئله دقیقاً مانند خروج مصر از حوزه نفوذ شوروی توسط کیسینجر خواهد بود. نویسنده تأکید می‌کند که مسلماً فرایند صلح بدون تحقق صلح اسرائیل – سوریه ممکن نخواهد بود لذا یکی از اولویت‌های سیاست خارجی دولت جدید آمریکا باید ترسیم راه‌هایی برای نزدیکی سوریه و اسرائیل و جدایی آن از حوزه نفوذ ایران باشد.



عنوان: نامناسب بودن حمله نظامی به اقدامات هسته‌ای ایران<sup>۱</sup>

نویسنده: نینا همدانی

منبع: Washington Report on Middle East Affairs<sup>۲</sup>

نویسنده مقاله با اشاره به برنامه هسته‌ای ایران معتقد است راه حل این مسئله پیگیری یک دیپلماسی گسترده است و راه حل نظامی به هیچ عنوان راه حل مناسبی نیست. وی در مورد احتمال حمله نظامی آمریکا یا اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای ایران می‌نویسد: تأسیسات هسته‌ای ایران کوچک و به راحتی قابل مخفی کردن و تغییر مکان است. این در حالی است که حملات گذشته اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای عراق در مراحل اولیه ساخت این تأسیسات صورت پذیرفت در حالی که ایران این مرحله را پشت سر گذارده است و این تأسیسات اساساً برای اقدامات صلح‌آمیز به کار گرفته می‌شود و ساختمان آن در زیرزمین قرار دارد. لذا حمله به آنها موفقیت‌آمیز نبوده و نمی‌تواند نظر واشنگتن را برآورده سازد. براین اساس استراتژی مذاکره و دیپلماسی بهترین راه ممکن است چرا که حمله نظامی به هیچ‌وجه تضمینی جهت کنترل و خاتمه دادن اقدامات هسته‌ای ایران نیست و می‌تواند یک اقدام ناموفق نظامی سبب تسریع و شدت بخشیدن به فعالیت‌های هسته‌ای ایران شود به نحوی که برنامه صلح‌آمیز کنونی تبدیل به برنامه نظامی و دفاعی شود. از نظر نویسنده در صورتی که حمله نظامی بخواهد موفق باشد باید به صورت کاملاً گسترده و یک جنگ تمام عیار دنبال شود که این امر هزینه گزافی برای آمریکا دارد. لذا بهترین گزینه دیپلماسی است.

1. Nina Hamedani, 11 No Military answer to Iranian non-Proliferation, Washington Report on Middle East Affairs, Nov. 2008, P.58.

۲. از نشریات بین‌المللی حوزه مسائل خاورمیانه.



عنوان: رویکرد و واکنش‌های احتمالی ایران به حمله آمریکا یا اسرائیل<sup>۱</sup>

نویسنده: افریم کام

منبع: Strategic Assessment<sup>۲</sup>

این گزارش به بررسی رویکرد ایران نسبت به حمله احتمالی علیه این کشور پرداخته و تلاش کرده است تا اقدامات احتمالی ایران را در این باره مورد ارزیابی قرار دهد. نویسنده در ابتدای گزارش معتقد است که هم‌اکنون ایران نگران حمله نظامی علیه تأسیسات هسته‌ای این کشور است و بدین جهت تلاش می‌کند تا با اعتماد به نفس بر عدم تحقق این حمله تأکید کند. از نظر ایران، آمریکا و اسرائیل از شکست هرگونه اقدام نظامی علیه ایران و توانایی‌های پاسخ‌گویی این کشور به حمله نظامی مطلعند و لذا از هرگونه حمله نظامی خودداری خواهند کرد. نویسنده در ادامه گزارش تأکید می‌کند که اگرچه ایران پس از تحولات دهه ۹۰ میلادی و فروپاشی شوروی و حمله آمریکا به عراق، همواره نگران اقدام آمریکا برای تغییر رژیم در ایران بوده است؛ اما احتمال اقدام نظامی علیه ایران پس از حمله آمریکا به افغانستان و عراق جدی‌تر شده است زیرا که سقوط رژیم‌های دو همسایه ایران پیام آشکاری برای آن محسوب می‌شود. از سوی دیگر دولت بوش نیز همواره بر احتمال اقدام نظامی علیه ایران در صورت شکست راه‌های دیگر برای متوقف کردن برنامه هسته‌ای آن تأکید کرده است. همچنین در این زمینه بارها بر وجود برنامه‌های حمله به ایران نیز اشاره شده

1. Ephraim Kam, "Military Action against Iran: The Iranian Perspective", Strategic Assessment, Volume 11, No. 2, November 2008.

۲. یکی از مهم‌ترین پایگاه‌های مرتبط با حوزه مسائل استراتژیک، امنیتی و بین‌المللی است.



که به اعتقاد نویسنده مجموع این عوامل سبب نگرانی ایران از اقدام نظامی و درنهایت تعلیق برنامه‌های هسته‌ای آن در سال ۲۰۰۳ شده است. از سوی دیگر اگرچه بن‌بست آمریکا در عراق و ناتوانی آن در افغانستان سبب کاهش نگرانی ایران شده است؛ اما همچنان احتمال حمله نظامی اسرائیل به ایران، ذهن مقامات ایرانی را مشغول نگاه داشته است. از نظر ایران، اسرائیل همواره در تلاش است تا از دستیابی ایران به قدرت برتر و هژمونیک در منطقه جلوگیری کرده و لذا احتمال حمله آن علیه تأسیسات هسته‌ای با همکاری یا در صورت عدم همکاری آمریکا وجود دارد. در ادامه گزارش نویسنده معتقد است که از نظر ایران اقداماتی مانند حمله اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای سوریه، مانورهای نظامی آن در مدیترانه و ... نشان می‌دهد که هم‌اکنون احتمال حمله اسرائیل علیه تأسیسات هسته‌ای ایران افزایش یافته است. براین اساس، ایران به اقدامات بازدارنده‌ای در این زمینه دست زده است تا از هرگونه اقدام نظامی جلوگیری کند. با وجود این، نویسنده تلاش می‌کند تا بر عقب‌ماندگی صنایع دفاعی ایران به سبب تحریم آن توسط آمریکا و دولت‌های اروپایی تأکید کند. به اعتقاد نویسنده اگرچه فروش تسلیحات روسیه و چین به ایران از ابتدای انقلاب وجود داشته و این مسئله نقش مؤثری در تقویت نیروهای دفاعی ایران داشته است؛ اما از اواسط دهه ۹۰ این روابط نیز محدود شده است. نویسنده در ادامه گزارش به تصورات و اقدامات احتمالی ایران اشاره می‌کند. به اعتقاد نویسنده:

۱. ایران مسلماً به هرگونه تهاجم نظامی علیه این کشور پاسخ خواهد گفت و در

این زمینه از روش صدام در سال ۱۹۸۱ یا بشاراسد در سال ۲۰۰۷ (که پس از حمله

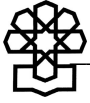
به تأسیسات هسته‌ای آنها هیچ واکنشی نشان ندادند) پیروی نخواهد کرد.



۲. پاسخ به حمله احتمالی به ایران، فوری خواهد بود.

۳. اقدام ایران در مقابل حمله آمریکا با واکنش آن درقبال حمله اسرائیل به این کشور متفاوت خواهد بود زیرا که ایران به دنبال درگیر شدن جدی و وسیع با آمریکا نیست.

۴. از نظر ایران، آمریکا و اسرائیل در هرگونه اقدام نظامی علیه ایران با یکدیگر همکاری دارند حتی اگر این حمله توسط یکی از آنان صورت پذیرد. نویسنده در ادامه به چگونگی پاسخ ایران در صورت حمله اسرائیل به این کشور اشاره کرده و شلیک موشک، استفاده از سلاح‌های شیمیایی و میکروبی، بهره‌برداری از سیستم موشکی حزب‌ا... علیه اسرائیل و استفاده از جنبش‌های اسلامی فلسطینی علیه این رژیم را مورد تأکید قرار می‌دهد. از سوی دیگر اقدامات ایران علیه حمله آمریکا نیز می‌توانند حمله موشکی به نیروهای آمریکایی در عراق، افغانستان، خلیج‌فارس یا کشتی‌های آمریکا در این حوزه باشد. همچنین استفاده از جنبش‌های اسلامی منطقه در خاورمیانه، بستن تنگه هرمز و جلوگیری از صدور نفت خلیج‌فارس نیز دیگر گزینه‌های احتمالی ایران خواهد بود. از نظر نویسنده، در صورت بسته شدن تنگه هرمز، ایران بیشترین زیان را خواهد کرد زیرا که این مسئله سبب تلاش آمریکا و جامعه بین‌الملل برای باز کردن این تنگه استراتژیک و تشدید اقدامات نظامی خواهد شد. همچنین ایران توانایی صدور نفت را از دست خواهد داد. از دیگر اقدامات احتمالی ایران علیه آمریکا، تهدید علیه متحدان آمریکا در خلیج‌فارس و به‌ویژه اقدام مؤثر علیه اسرائیل خواهد بود. در پایان گزارش، نویسنده با تأکید بر اقدام حتمی ایران در پاسخ به حمله نظامی به این کشور معتقد است که علی‌رغم اقدامات جدی ایران در



این‌زمینه‌ها پاسخ آن به دلیل محدودیت‌های نظامی ایران، استراتژیک یا وسیع نخواهد بود. با وجود این، نگرانی‌هایی در مورد اقدام نظامی علیه ایران وجود دارد که در این میان گسترش بی‌ثباتی در منطقه، تقویت جنبش‌های ضدغربی در جهان اسلام و عرب، تردید دولت‌های حامی آمریکا از حضور مستقیم در جنگ، ناکام ماندن حمله به تأسیسات هسته‌ای و تنها تعویق و تشویق هسته‌ای شدن ایران، افزایش قیمت نفت، تقویت نظام جمهوری اسلام ایران و جایگاه آن در جهان اسلام، مهم‌ترین عواملی است که در مورد حمله نظامی به ایران مطرح می‌شوند.



عنوان: در جست‌وجوی روابط گرم<sup>۱</sup>

نویسنده: ریچارد دالتون

منبع: World Today<sup>۲</sup>

سیاست هسته‌ای ایران عبارت است از:

۱. پیشینه‌سازی پیشرفت علمی و صنعتی،
۲. همکاری با آژانس تا سطحی مشخص به‌منظور خنثی‌سازی تردیدهای موجود درباره نیت فعالیت‌های هسته‌ای ایران،
۳. بازی با گفت‌وگوهای پراکنده جاری بین ایران و خاورسولانا،
۴. پیگیری و برنامه‌ریزی برای مذاکرات بدون پیش‌شرط با گروه ۶ از جمله آمریکا،
۵. حفظ موضع و جایگاه خود به امید آنکه رئیس‌جمهور جدید آمریکا ایده سودمندی برای آنها مطرح کند،
۶. پرهیز از تحریم‌های جدید،
۷. اظهار آمادگی نظامی خود به‌منظور آنکه نشان دهند حمله احتمالی اسرائیل برای خود اسرائیل و حامیانش پرهزینه خواهد بود.

پاسخ‌های غرب در برابر رفتار ایران می‌تواند شامل این گزینه‌ها باشد:

۱. توسل به زور به‌عنوان آخرین حربه: آمریکا همچنان ترجیح می‌دهد مسئله هسته‌ای به‌صورت دیپلماتیک حل شود ولی حق حمله به تأسیسات ایران را عملاً برای

1. Richard Dalton, "Looking for A Thaw", World Today, November 2008.

۲. از پایگاه‌های معتبر بررسی طیف گسترده مسائل بین‌المللی.



خود حفظ کرده است. در عین حال تشدید وضعیت فعلی به نفع آمریکا نیست. ژنرال ابی‌زید نیز اخیراً اظهار داشته است که «بعید می‌دانم اسرائیل بتواند به‌وسیله توانمندی‌های نظامی خود اثری پایدار بر فعالیت‌ها و برنامه هسته‌ای ایران بگذارد». با توجه به برخی شواهد باید گفت که جمله فوق عملاً بیانگر دیدگاه اصلی و رایج در ارتش آمریکا در قبال حمله نظامی آمریکا یا اسرائیل به ایران است. لذا دولت بعدی آمریکا نیز به لابی‌های آتی جهت لزوم حمله به ایران عملاً گوش نخواهد داد. درواقع تفاوت‌هایی بین نگرش آمریکا، اسرائیل و دیگر بازیگران بین‌المللی در مورد بسترهای لازم توجیه‌کننده اقدام نظامی وجود دارد.

۲. تحریم‌های جدید: این بحث فقط در تئوری ممکن است و به‌دلیل وتوی چین و روسیه و همچنین شکنندگی بازار انرژی غیرممکن است.
۳. تداوم روابط سابق: ویلیام برنز معاون امور سیاسی وزارت خارجه می‌گوید سیاست آمریکا اتحادسازی با دیگران جهت تغییر سیاست‌ها و رفتارهای مشکل‌دار ایران است. وی قائل به آشکار کردن هزینه‌های سرپیچی است. اما این سیاست بدون اضافه کردن عناصر جدید، ضعیف و ناموفق خواهد بود.

### نگاه تازه

- گروه ۱+۵ باید دیپلماسی ناکارآمد خود را در پنج سال گذشته به‌درستی مطالعه و بررسی کند. از جمله درس‌های این دوره می‌توان به این موارد اشاره کرد:
۱. این یک «توهم» است که با افزایش فشار و استفاده غرب از ابزارهای محدود خود، می‌توان باعث شد که عملگرایان در ایران به قدرت برسند و با ما معامله کنند.



۲. آنچه برنز درباره مواجه شدن ایران با «معمای داخلی» و بروز بحث‌های شدید در داخل بر سر سیاست خارجی گفته نیز یک «خیال واهی» است. در واقع اگرچه برخی از افراد در داخل حکومت ایران با ایده تعلیق، بازی تاکتیکی می‌کنند اما هنوز در داخل ایران این ایده پا نگرفته است که اگر رفتار «متعادل و مسئولانه» داشته باشیم منافع ملی بیشتر تأمین می‌شود.

۳. یکی از مسائل اساسی ایران این است که نسبت به ادعاهای مطرح شده در «مطالعات ادعایی» تبریئه شود چرا که عملاً این مطالعات باعث سلب اعتماد جهانی نسبت به تعهداتی که ایران در مذاکرات آینده خود با آمریکا برعهده خواهد گرفت، می‌شود.

۴. اینکه تنها تحریم‌ها بتوانند ایران را از غنی‌سازی منصرف کنند، هیچ شانسی ندارد. اما باید چشم‌انداز قابل اعتمادی وجود داشته باشد که اگر ایران نسبت به مسائل کلیدی مانند اعتراف به فعالیت‌های گذشته‌اش و اجرای پروتکل الحاقی و موافقتنامه پادمان کوتاهی کرده یا درصد فریبکاری در مذاکرات برآید، آن‌گاه روابط ایران با جهان خارج باید متوقف شود و تحریم‌های گسترده‌تری به‌خصوص تحریم‌های تسلیحاتی اعمال شود. این رویکرد باید مورد حمایت چین و روسیه و دیگر شرکای تجاری عمده ایران قرار گیرد.

۵. در نهایت، اعضای گروه ۶ مجبورند به‌جای تأکید بر «نفی غنی‌سازی» بر «نظارت کلی» بر تأسیسات ایران توانمند در غنی‌سازی اورانیوم، متمرکز گردند تا جلوی انحراف مواد هسته‌ای را گرفته و از سرگیری فعالیت‌های نظامی حکومت آینده را سخت‌تر کنند.



۶. گروه ۶ باید تلاش بیشتری جهت دستیابی به یک تفاهم امنیتی در خلیج فارس انجام دهند.

۷. نگاه سیاه - سفید بسیاری از سیاستمداران ایران و آمریکا و شعارهای شدید و کلیشه‌ای که علیه یکدیگر می‌دهند موانع اصلی مباحثه عقلانی درباره نوع سیاست‌گذاری این دو در قبال یکدیگر می‌باشد.

۸. رئیس‌جمهور جدید آمریکا باید تماس‌های مستقیمی با ایران برقرار کند تا بر سر دستورالعمل مذاکره با ایران درباره طیفی از مسائل مشکل‌زا بین دو کشور و عوامل کاهنده تنش به توافق برسند.

تنها عوامل توجیه‌کننده رویکرد «انعطاف مشروط» آن است که هیچ راه دیگری که بتواند جلوی حرکت ایران به سمت ساخت بمب را بگیرد و باعث تقویت معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) و کاهش تنش در خاورمیانه گردد وجود ندارد.



عنوان: آمریکا، اسرائیل، ایران: خنثی‌سازی تهدید وجودی<sup>۱</sup>

نویسنده: چاک فرلیچ

منبع: Arms Control Today<sup>۲</sup>

اگرچه حکومت ایران از منطق عقلانی برخوردار بوده و لذا قابل مهار می‌باشد اما آمریکا و اسرائیل نمی‌توانند تهدید متوجه بقای اسرائیل را در صورت دستیابی ایران به بمب اتم دست‌کم بگیرند. در این زمینه اگرچه غرب تا به حال گزینه‌های مختلفی را برای مدیریت رفتار ایران تجربه کرده و یا در مورد آنها تأمل نموده است (از جمله تعامل ایران و آمریکا، تحریم، محاصره دریایی، حمله نظامی، تغییر رژیم) اما هیچ‌کدام از آنها کارایی لازم را نداشته است. مهم‌ترین متغیر در مورد ایران، بحث زمان است. ایران در نهایت در دور اول دولت بعدی آمریکا صاحب بمب اتم می‌شود و باید در مورد این مسئله چاره‌جویی کرد. از میان گزینه‌های مختلف، اکنون بحث همزیستی با ایران هسته‌ای جدی‌تر شده است؛ اما این همزیستی مستلزم تعهد بیشتر آمریکا نسبت به امنیت اسرائیل است. همچنین در صورت تهدیدزایی جدی ایران برای بقای اسرائیل لاجرم باید به گزینه آخر دست زد ولی این گزینه لزوماً جنگ نیست. بنابراین در حال حاضر بهتر است که سیاست غرب مبتنی بر تعامل کامل و همه‌جانبه؛ اما مشروط با ایران باشد این تعامل باید در یک چارچوب زمانی خاص انجام شود و بتوان نتایج آن را سنجید. علاوه بر این، این شیوه باید با اهرم تحریم‌های بین‌المللی و چندجانبه تقویت

1. Chuck Freilich, "The United States, Israel and Iran: Defusing an "Existential" Threat", Arms Control Today, November 2008.

۲. از نشریات مربوط به حوزه خلع سلاح بین‌المللی.



شود و در صورت لزوم به سرعت به محاصره دریایی ایران بیانجامد. به نظر می‌رسد که این سیاست هزینه‌های قابل قبول و بدون خونریزی داشته باشد و بتواند با ترکیب با سیاست عقلانی ایران به نتیجه مطلوب برای طرفین برسد.



عنوان: چگونه بر ایران فشار آوریم<sup>۱</sup>

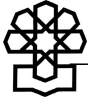
نویسنده: اوردی کیتری

منبع: Wall Street Journal<sup>۲</sup>

در صورتی که باراک اوباما بخواهد از طریق مذاکره برنامه هسته‌ای ایران را متوقف سازد باید اهرم‌های به مراتب قوی‌تری از دولت بوش به کار ببرد. تحریم‌های کنونی شورای امنیت ناکارآمدی خود را به اثبات رسانده و روسیه و چین تمایل به گسترش تحریم‌ها ندارند. از سوی دیگر ایران نیز مشوق‌های لازم جهت تغییر رفتار خود را دریافت نکرده است. همچنین ایران نقطه ضعف اساسی در بخش اقتصادی داشته و وابستگی زیادی به بنزین وارداتی دارد که این وابستگی می‌تواند اهرمی جهت استفاده آمریکا محسوب شود. ایران هر چند سرمایه‌گذاری زیادی بر انرژی هسته‌ای انجام داده با وجود این ظرفیت لازم جهت پالایش و تولید بنزین مصرفی خود را در داخل ندارد. در نتیجه ۴۰ درصد بنزین مورد نیاز خود را وارد می‌کند. این واردات براساس آمار از پنج شرکت عمده که ۴ شرکت آن اروپایی بوده و یک شرکت نیز هندی است تأمین می‌شود. در صورتی که این شرکت‌ها فروش بنزین به ایران را متوقف سازند ایران به سختی می‌تواند مایحتاج بنزین خود را تأمین نماید و برای این کار هزینه‌های بالایی خواهد پرداخت. روسیه و چین نیز نمی‌توانند نیاز ایران را تأمین کنند. چرا که این دو کشور نیز همانند ایران نیازمند بنزین وارداتی هستند. این مسئله تبدیل به پاشنه آشیل ایران شده است. باراک اوباما در موضع‌گیری‌های خود در کنگره آمریکا

1. Orde Kittrie, "How to Put the Squeeze on Iran" Wall Street Journal, Nov 13, 2008.

۲. از نشریه‌های تندرو و تأثیرگذار بر افکار نخبگان جمهوریخواه آمریکاست.



و در طول مبارزات انتخاباتی خود بر این نکته تأکید کرده است. به‌عنوان مثال وی در ۷ اکتبر اعلام کرد: «ایران در حال حاضر بنزین وارد می‌کند ... اگر ما جلوی واردات بنزین ایران را بگیریم... آنها مجبور به تغییر شیوه تحلیل مسائل خواهند شد. این امر می‌تواند عامل فشار بر آنها باشد». این درحالی است که اگرچه دولت بوش جهت عمل کردن این ایده هیچ درخواستی به ۵ کشور صادرکننده بنزین به ایران نکرده است ولی اوباما می‌تواند چنین درخواستی را جهت اعمال فشار بر ایران مطرح کند.

نویسنده معتقد است این ۵ شرکت عمده هر یک در موارد متعدد به دولت آمریکا نیازمند بوده و در آمریکا و یا با سرمایه بانک‌های آمریکا مشغول فعالیت هستند بنابراین دولت آمریکا اهرم لازم جهت تحت فشار قرار دادن هریک از آنان را در اختیار دارد.

تحریم بنزینی ایران می‌تواند فشار اقتصادی بر مردم و دولت را جهت تغییر رفتار و امتیاز دادن این کشور در زمینه انرژی هسته‌ای را سبب شود.



عنوان: بیانیه مشترک کارشناسان مسائل ایران<sup>۱</sup>

نویسنده: جمعی از کارشناسان برجسته مسائل ایران

منبع: شورای ملی ایران - آمریکا<sup>۲</sup>

تلاش‌های مختلف آمریکا جهت انزوا، تهدید و تحریم ایران نتوانسته نتایج مطلوب را برای واشنگتن پدید آورد و تنها یک راه است که احتمال موفقیت دارد و آن مذاکرات مستقیم، جامع و بدون پیش‌شرط با مقامات دیپلماتیک برجسته ایران است. بر این اساس استراتژی دیپلماسی کارآمد آمریکا باید به پنج نکته اساسی توجه کند:

۱. کنار گذاشتن شعار تغییر رژیم ایران، قبول حکومت جمهوری اسلامی ایران و برگزیدن استراتژی بلندمدت تعامل با ایران،
۲. حمایت از حقوق بشر از طریق ابزارهای کارآمد و بین‌المللی و نه به صورت انفرادی و یک‌جانبه،
۳. به ایران اجازه دهد تا در کنار دیگر دولت‌های کلیدی بر سر میز ترسیم آینده عراق، افغانستان و منطقه بنشیند،
۴. پرداختن به مسئله هسته‌ای در قالب روابط کلی ایران و آمریکا و نه به صورت یک موضوع مجزا،

۵. تقویت روند صلح بین اعراب و اسرائیل و واسطه‌گری منصفانه در این میان. اما مهم‌ترین علت شکست سیاست‌های آمریکا در قبال ایران آن است که این سیاست‌ها ریشه در سوءبرداشت‌های بنیادین دارد. هشت سوء برداشت آمریکا یا

1. "Joint Experts, Statement on Iran", National Iranian American Council, Nov.20, 2008.

۲. شورای ملی ایران - آمریکا یک نهاد غیردولتی است که در زمینه مسائل ایران و آمریکا فعالیت می‌کند.



درواقع هشت افسانه دروغین در مورد ایران وجود دارد که آمریکا باید آنها را رها کند:

۱. رئیس‌جمهور ایران (احمدی‌نژاد) تصمیم‌گیرنده اصلی در مسائل هسته‌ای و سیاست خارجی است.
۲. نظام سیاسی جمهوری اسلامی شکننده و مستعد تغییر رژیم است.
۳. عقاید مذهبی رهبران ایران، آنها را غیرقابل مهار می‌سازد.
۴. رهبران فعلی ایران اساساً دشمن آمریکا هستند.
۵. ایران نیت واقعی خود را در مورد حمله به اسرائیل و «محو کردن آن از روی نقشه» آشکار ساخته است.
۶. سیاست‌های گسترش دموکراسی که مورد حمایت آمریکاست می‌تواند دموکراسی واقعی را برای ایران به ارمغان آورد.
۷. ایران به وضوح و با شدت در تلاش جهت دستیابی به بمب اتم است.
۸. ایران و آمریکا هیچ مبنای مشترکی برای گفتگو و مذاکره ندارند.



عنوان: مخالفان مذاکره اوپاما با ایران<sup>۱</sup>

نویسنده: امیلی لندو

منبع: International Network for Strategic Studies<sup>۲</sup>

در حالی که بسیاری از کشورهای جهان همواره دم از لزوم مذاکره آمریکا با ایران می‌زدند و از عدم شرکت آمریکا در مذاکرات اروپا با ایران انتقاد می‌کردند اکنون که با آمدن اوپاما احتمال مذاکره واشنگتن با تهران افزایش یافته است همه این کشورها از خواسته‌های قبلی خود عقب کشیده‌اند. این کشورها شامل اعراب، اسرائیل، اتحادیه اروپا و حتی خود ایران هستند. مهم‌ترین منتقد اروپایی مذاکره با ایران، سارکوزی است. در واقع اروپایی‌ها این مسئله را از نگاه رقابت‌های فراآتلانتیک می‌نگرند. از نظر آنها احتمال این وجود دارد که اوپاما آنقدر در مذاکره با ایران سریع حرکت کند که اروپایی‌ها را جا بگذارد و حتی به شروطی که آنها برای ایران گذاشته‌اند نیز بی‌توجهی کند و در نهایت وزن اروپا را در این‌گونه معادلات کمرنگ کند. این حس نگرانی و ترس از رها شدن، در میان اعراب به‌خصوص اردن، مصر و کشورهای حاشیه‌ای جنوب خلیج فارس بیشتر است. آنها اکنون نگران این مسئله‌اند که کنار آمدن آمریکا با ایران منجر به تقویت هژمونی منطقه‌ای ایران می‌شود و نرم بودن زیاد اوپاما با ایران به ضرر اعراب تمام می‌شود. اما در این میان خود ایران نیز از جدی شدن احتمال مذاکره با آمریکا نگران است چرا که مشروعیت برخی از شعارها عملاً

1. Emily B.Landau, "When Lip Service Meets Reality", International Network for Strategic Studies, Nov. 18, 2008.

۲. یکی از مهم‌ترین پایگاه‌های مرتبط با حوزه مطالعات استراتژیک، امنیتی و بین‌الملل است.



زیر سؤال می‌رود و با توجه به قدرت ائتلاف‌سازی که اوپاما دارد احتمال پیوستن چین و روسیه نیز به اردوگاه غرب افزایش پیدا می‌کند. لذا از نظر ایران اوپاما نیز به اندازه بوش خطرناک است.



عنوان: «جهان بدون آمریکا از نظر ایران»<sup>۱</sup>

نویسنده: جیمز جی کرافانو

منبع: Heritage Foundation<sup>۲</sup>

نویسنده این گزارش با رویکردی منفی و بدبینانه نسبت به ایده «جهان بدون آمریکا» - که وی آن را نظر ایران نامیده است - اظهار نظر کرده و تلاش کرده است تا این مسئله را به توانایی‌های موشکی و هسته‌ای ایران ارتباط دهد. بر این اساس، نویسنده در ابتدای گزارش تأکید کرده است تاکنون این تصور وجود داشت که این هدف برای ایران، غیرقابل دستیابی و غیرمحمتمل است؛ اما با گزارش اخیر که در مورد توانایی‌های موشکی و هسته‌ای ایران به کنگره ارائه شده و در آن بر دستیابی ایران به تکنولوژی‌های جدید اشاره شده است، این مسئله ممکن به نظر می‌رسد زیرا که براساس گزارشی که به کنگره ارائه شده است ایران به توانایی ایجاد پالس‌های وابسته به نیروی مغناطیسی برق از طریق انفجار موشک‌های بالستیک مجهز به کلاهک هسته‌ای در فضای مافوق جو دست یافته است. در واقع با انفجار موشک بالستیک مجهز به کلاهک هسته‌ای در ورای جو، ذرات یونیزه شده، سیستم‌های اطلاعاتی و الکترونیکی را مختل کرده و لذا خدمات دولتی، بانکداری و مالی و تأمین انرژی، سوخت، غذا و حتی خدمات اورژانسی و جان میلیون‌ها انسان با خطر مواجه می‌شود. در ادامه گزارش نویسنده به توانایی‌های موشکی و هسته‌ای ایران اشاره

1. James Jay Carafano, "Iran's World Without America", Heritage Foundation, October, 17, 2008.

۲. از پایگاه‌های معروف طیف نومحافظه‌کاران آمریکاست.



می‌کند و جلوه‌های مختلف تهدید آن برای آمریکا را برمی‌شمرد. به اعتقاد نویسنده اگرچه امکان حمله به آمریکا از طریق انتقال موشک‌های بالستیک میان‌برد ایران با کشتی‌هایی با پرچم دیگر کشورها نیز وجود دارد اما توانایی ایران برای ایجاد پالس‌های وابسته به نیروی مغناطیسی برق از طریق انفجار موشک‌های بالستیک، تهدید جدی و مهمی است. لذا در ادامه گزارش نویسنده به راهکارهای لازم و ممکن برای مقابله با این نوع حملات اشاره می‌کند. نویسنده معتقد است که اولین اقدام برای مقابله با حملات مستقیم، تقویت توانایی پاسخ‌گویی فوری به هر نوع حمله موشکی است. از سوی دیگر آمریکا باید با شناسایی آسیب‌پذیری‌های حملات موشکی الکترونیکی، آمادگی‌های لازم در این زمینه را نیز داشته باشد. علاوه بر این به اعتقاد نویسنده با توجه به اینکه ایران تنها کشوری است که به تهدید مستقیم برای نابودی آمریکا می‌پردازد بنابراین لازم است که به این کشور نسبت به اقدام تلافی‌جویانه متقابل و وسیع هشدار داده شود. در پایان گزارش نویسنده تأکید می‌کند که با توجه به این مسائل، اولویت‌های رئیس‌جمهور آینده آمریکا باید بر مبنای برنامه جامع دفاع موشکی و توانمندسازی زیرساخت‌های دفاعی آمریکا تنظیم شود.



عنوان: ایران از قرارداد امنیتی آمریکا با عراق استقبال می‌کند<sup>۱</sup>

نویسنده: جینا چون

منبع: Wall Street Journal

نویسنده در این مقاله معتقد است لحن سخن ایران در مورد توافق‌نامه امنیتی عراق و آمریکا تغییر کرده است. به عقیده وی دولت ایران ماه‌ها با امضای این توافق‌نامه امنیتی به شدت مخالف بود و به شیوه‌های مختلف به حکومت عراق فشار می‌آورد تا چنین توافق‌نامه‌ای را با آمریکا امضا نکند، اما از زمانی که هیئت دولت عراق این توافق‌نامه را مورد تصویب قرار داد، لحن ایران به کلی نسبت به گذشته تغییر کرد. در این راستا آیت الله هاشمی شاهرودی امضای این توافق‌نامه از سوی حکومت عراق را برای خروج نیروهای آمریکایی تا سال ۲۰۱۱ از عراق دانست و از حکومت مالکی تمجید کرد. مطبوعات و رسانه‌های ایرانی نیز تغییر لحن داده و این توافق‌نامه را توافق‌نامه خروج نیروهای آمریکایی از عراق دانستند و امضای آن را نشانه پیروزی دولت عراق اعلام کردند.

نویسنده در ادامه به مواضع و مخالفت‌های ایران به امضای این توافق‌نامه اشاره می‌کند و می‌نویسد: مقامات ایران مخالفت خود را با این توافق‌نامه از ماه می سال جاری علنی کردند. این مخالفت‌ها در تابستان با موضع‌گیری شدید علی لاریجانی رئیس مجلس شورای اسلامی علیه امضای این توافق‌نامه شدیدتر شد. وی در

1. Gina Chon, "Iran Hails VS-Iraq Security Agreement", Wall Street Journal, 17 November, 2008.

۲. از نشریه‌های تندرو و تأثیرگذار بر افکار نخبگان جمهوریخواه آمریکاست.



مصاحبه با روزنامه‌نگاران عراقی به‌صراحت اعلام کرد که اگر دولت عراق این توافق‌نامه را امضا کند شأن و بزرگی ملت و دولت عراق در موضع خواری و حقارت قرار می‌گیرد.

مقامات آمریکایی مدعی‌اند که ایران هر کاری را برای جلوگیری از امضای این قرارداد انجام می‌دهد و این در حالی است که ایران این ادعاها را تکذیب می‌کند. در این زمینه نقش و نفوذ ایران در عراق به راحتی قابل انکار نیست چرا که دو حزب عمده شیعه که حکومت عراق را در دست دارند یعنی حزب الدعوه و مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق، هر دو در زمان صدام و در ایام تبعید در ایران تشکیل شدند و روابط نزدیک با ایران دارند. یکی از مقامات بلندپایه آمریکا معتقد است که ایران در نظر سابق خود نسبت به قرارداد تغییری ایجاد نکرده است. مخالفت ایران با این قرارداد نه صرفاً برای خروج نیروهای آمریکا از عراق بلکه به دلیل تأثیر برخی مفاد این توافق‌نامه در وضعیتی حقوقی بین ایران و عراق و پرونده مفتوح ۸ ساله جنگ ایران و عراق و مسئله‌ای نظیر غرامت‌هاست. از سوی دیگر برخی معتقدند ایران متوجه شد این توافق‌نامه چه با موافقت و چه با مخالفت ایران امضا خواهد شد؛ لذا ایران سعی کرد با تغییر لحن خود مواضع گذشته را تعدیل کند. نویسنده در پایان با اشاره به مصاحبه اخیر خود با یکی از اعضای ارشد کابینه مالکی می‌نویسد: از یکی از مقامات بلندپایه عراق پرسیدم که با امضای این توافق‌نامه آیا نگران عکس‌العمل و یا واکنش احتمالی منفی ایران نیستند؟ وی پاسخ داد کار ما به‌عنوان مسئولین عراقی خوشحال کردن مقامات ایران نیست. آنها هر چه لازم بدانند به نفعشان است انجام می‌دهند و ما نیز هر آنچه فکر می‌کنیم به نفعمان است انجام می‌دهیم و فکر می‌کنم راه منطقی نیز همین است.



عنوان: سوریه ایران را رها نمی‌کند<sup>۱</sup>

نویسنده: کیهان برزگر

منبع: Belfer Center<sup>۲</sup>

یک صلح احتمالی بین سوریه و اسرائیل، نه منجر به تغییر موقعیت کنونی ایران در منطقه می‌شود و نه آنچنان که برخی از تحلیل‌گران پیش‌بینی می‌کنند، به آسانی منجر به دوری سوریه از ایران یا رها کردن اتحاد استراتژیک با ایران خواهد شد، چرا که تداوم چنین اتحاد استراتژیکی در فضای سیاسی پس از بحران عراق، بیشتر مبتنی بر تلاش دو کشور برای «تعریف نقش‌های جدید منطقه‌ای» در یک «دوران انتقالی» است که از این لحاظ با توجه به موقعیت ژئواستراتژیک و توان بالای بازیگری ایران در منطقه، بیشتر به سود منافع سوریه است.

دیدگاه غالب در نزد تحلیل‌گران مسائل منطقه‌ای این است که اتحاد استراتژیک ایران و سوریه بر مبنای رفع تهدید مشترک امنیتی از سوی اسرائیل و آمریکا است و تا هنگامی که این تهدید وجود دارد، این اتحاد با شدت و قوام ادامه خواهد داشت، اما فراتر از این هدف، اتحاد ایران و سوریه در فضای پس از بحران عراق (۲۰۰۳) برای دستیابی به یک هدف استراتژیک دیگر نیز می‌باشد و آن خروج از نظام موجود سیاسی - امنیتی در دو زیرسیستم منطقه‌ای، یعنی خلیج فارس و خاور نزدیک است که در آنها نقش‌های دو کشور ایران و سوریه به صورت حاشیه‌ای تعریف شده‌اند.



از دیدگاه ایران، نظام سیاسی - امنیتی موجود در خلیج فارس که مبتنی بر توازن قوای سنتی است، منطقه را به دوست و دشمن تقسیم می‌کند که در آن، ایران به عنوان منبع اصلی تهدید منطقه‌ای معرفی می‌شود. تداوم رقابت در چنین نظامی، انرژی سیاسی و امنیتی ایران را می‌گیرد، بی‌اعتمادی و تنش را بین ایران و کشورهای عرب منطقه افزایش می‌دهد. همچنین این وضعیت بیشتر در راستای تأمین منافع آمریکا و متحد اصلی آن یعنی اسرائیل است.

از دیدگاه سوریه، نظام سیاسی - امنیتی موجود در خاور نزدیک، مبتنی بر تقویت نقش اسرائیل و متحدان محافظه‌کار سنتی در جهان عرب همچون عربستان، مصر، اردن و گروه‌های سیاسی طرفدار غرب در لبنان است. هر چند سوریه کشوری عربی است، اما ویژگی‌های ساخت قدرت و سیاست در آن (حاکمان و نخبگان شیعی) و منازعه ریشه‌دار آن با اسرائیل، به گونه‌ای است که سوریه را یک کشور «تنها» در جهان عرب تعریف می‌کند. ارزش استراتژیک سوریه نیز در توافقات صلح با اسرائیل و آمریکا در همین نکته و همچنین نزدیکی آن با ایران نهفته است.

تحولات سیاسی پس از بحران عراق در منطقه، منجر به تقویت اتحاد ایران و سوریه شده است. در نگاهی ژئواستراتژیک، ایران و سوریه به دو زیرسیستم سیاسی - امنیتی «مستقل» اما «به هم پیوسته» منطقه‌ای یعنی خلیج فارس و خاور نزدیک تعلق دارند. اهمیت استراتژیک اتحاد سوریه و ایران در شرایط جدید، بیشتر در تقویت نقش آنها در عراق جدید و اتصال همزمان آن با مسائل خلیج فارس و لبنان نهفته است که به دو کشور «عمق استراتژیک» می‌دهد.

1. Kayhan Barzegar, "Syria Will Stick With Iran," Belfer Center, November 6, 2008.

۲. از مراکز تحقیقاتی وابسته به دانشگاه هاروارد است.



سوریه از راه عراق و ایران، به منطقه خلیج فارس نزدیک می‌شود که حائز اهمیت استراتژیک سیاسی - امنیتی، اقتصادی و فرهنگی برای جهان عرب، ایالات متحده و حتی اسرائیل است. ایران نیز از راه عراق و سوریه به منطقه مدیترانه می‌رسد که مرکز منازعه صلح اعراب و اسرائیل است و سرنوشت حزب‌الله، شریک و متحد استراتژیک ایران، به آن وابسته است. این منطقه همچنین دارای اهمیت استراتژیک برای ایالات متحده است که پس از بحران عراق، به صورت رقیب جدید منطقه‌ای ایران (به‌جای عراق) در منطقه خلیج فارس درآمده است.

تضاد اصلی ایران و آمریکا در اوضاع جدید منطقه‌ای برای تعریف «نقش‌ها» در منطقه خلیج فارس است که دارای اهمیت حیاتی برای منافع و امنیت ملی ایران است. حضور ایران در خاور نزدیک، چانه‌زنی و قدرت بازیگری ایران در برابر آمریکا در منطقه خلیج فارس را در دوران تثبیت نقش‌ها افزایش می‌دهد. در زمان بروز بحران عراق، سیاست‌های آمریکا به‌طور حساب شده و متداوم، سعی در نفی نقش بازیگران منطقه‌ای یعنی ایران و سوریه داشته است؛ بنابراین تا هنگامی که سیاست‌های آمریکا (حتی با ریاست جمهوری باراک اوباما) در نفی نقش بازیگران منطقه ادامه داشته باشد، بعید به نظر می‌رسد که اتحاد استراتژیک سوریه و ایران تضعیف شود.

در این روند، ایران حتی دارای نقش کلیدی‌تر و قدرت بازیگری بالاتری در منطقه است. اگر افغانستان و پاکستان و منطقه قفقاز را نیز به مناطق خلیج فارس و خاور نزدیک اضافه کنیم، اهمیت نقش ژئواستراتژیک ایران در حل و فصل بحران‌های منطقه، بسیار کلیدی است؛ امری که آمریکا را به پذیرش مذاکرات مستقیم با ایران در حل بحران عراق مجبور کرده است.



ایران همچنین یک منبع حمایت سیاسی، امنیتی، اقتصادی و لجستیکی برای سوریه در لحظات حساس خاورمیانه بوده است؛ بنابراین، تا زمانی که منطقه در یک دوران انتقالی، سعی در تثبیت نقش‌های جدید و ورود به یک نظام سیاسی - امنیتی جدید به‌سر می‌برد، بعید به نظر می‌رسد که سوریه حاضر به از دست دادن ایران باشد. همچنین باید گفت که در شرایط جدید، حتی از دست دادن سوریه نیز به تضعیف جایگاه منطقه‌ای ایران منجر نخواهد شد.



عنوان: ایران نفوذ خود در آمریکای لاتین را گسترش می‌دهد<sup>۱</sup>

نویسنده: کریستینا مَدِن

منبع: World Politics Review<sup>۲</sup>

نویسنده به بررسی روابط ایران با کشورهای آمریکای لاتین می‌پردازد و معتقد است که نفوذ ایران در این کشورها در حال افزایش است. طی سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۷ حجم مبادلات ایران و برزیل چهار برابر شده است که اگر این روند ادامه یابد، رقم یاد شده به زودی ۵ برابر می‌شود. به‌عبارت دیگر میزان پول این مبادلات از ۲ میلیارد دلار در سال به ۱۰ میلیارد دلار خواهد رسید. این امر نشان می‌دهد که در سال‌های اخیر که واشنگتن تمرکز خود را بر عراق و جنگ تروریسم معطوف کرده است، ایران توانسته به آمریکای لاتین نفوذ کند و این نفوذ را افزایش دهد. کما اینکه موفق شده علاوه بر برزیل با بولیوی، کوبا، اکوادور، نیکاراگوئه و ونزوئلا قراردادهای مختلف اقتصادی منعقد کند. رئیس‌جمهور ایران زمینه‌های مشترک زیادی با رهبران پوپولیست منطقه یافته است، که از آن میان توجه به محو فقر و آمریکاستیزی قابل ذکر می‌باشد. اوایل سال جاری احمدی‌نژاد و چاوز صحبت از ایجاد صندوق مشترکی برای پروژه‌های توسعه‌ای نمودند. هر دو این رهبران برای اجرای برنامه‌های عمومی اجتماعی، از درآمدهای نفتی بهره می‌برند. در عین حال چاوز به متحدانش نیز نفت زیر قیمت بازار عرضه می‌کند.

1. Christina Modden, "With U.S Attention Elsewhere, Iran Extends Latin American Influence" World Politics Review, Nov 11, 2008.

۲. از نشریات حوزه مسائل سیاست خارجی و امنیت ملی.



ایران در سال ۲۰۰۷ به‌عنوان عضو ناظر شورای همکاری اقتصادی بولیواریان برگزیده شد که چاوز آن را بنا نهاده است. شورایی که جایگزین طرح همکاری و تجارت اقتصادی شکست‌خورده آمریکا محسوب می‌شود. توسعه فعالیت‌های اقتصادی ایران و ونزوئلا در آمریکای لاتین منجر به رویگردانی بسیاری از کشورهای این منطقه از واشنگتن و معطوف شدن توجهشان به این برنامه‌ها گشته است. این امر باعث نگرانی واشنگتن از اجرای برنامه‌های اقتصادی و مبارزه با تجارت مواد مخدر، گردیده است.

این روابط از لحاظ سیاسی نیز دارای اهمیت بوده چنانکه ونزوئلا و کوبا در میان کشورهایایی بودند که نسبت به احاله پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت رأی منفی دادند. به‌علاوه حساسیت‌هایی هم درخصوص اهداف سیاست خارجی ایران در منطقه، امنیت منطقه و امکان حمایت این کشور از حرکات تروریستی بین مرزی سه کشور آرژانتین، برزیل و پاراگوئه وجود دارد. برخی معتقدند حزب‌الله ممکن است از این کشورها به‌عنوان تأمین مالی استفاده کند یا ایران در جهت قاچاق اسلحه به آمریکای لاتین از مصونیت دیپلمات‌های خود استفاده نماید.

بنابراین لازم است رئیس‌جمهور بعدی آمریکا نسبت به آمریکای لاتین هشیارتر باشد، این منطقه را به‌عنوان شریک تجاری مدنظر قرار دهد و برای کاهش فقر و افزایش امنیت انرژی این حوزه ارزش قائل شود، تا به این وسیله از نفوذ قدرت‌های متخاصم در منطقه بکاهد.



عنوان: جایگاه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در روابط خارجی ایران<sup>۱</sup>

نویسنده: مایکل روبین

منبع: Middle East Quarterly

این گزارش تلاش می‌کند تا به بررسی نقش، جایگاه و فعالیت‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بپردازد. براین اساس نویسنده در ابتدای گزارش به بررسی ساختاری نظام جمهوری اسلامی پرداخته و با اشاره به تاریخچه‌ای از تحولات سپاه در دوره‌های گذشته، چگونگی استقرار و تثبیت آن را در ایران مورد ارزیابی قرار می‌دهد. به اعتقاد نویسنده اگرچه سپاه در ابتدای پیروزی انقلاب در راستای ایجاد امنیت در داخل کشور تشکیل شده بود اما حمله صدام به ایران و شروع جنگ تحمیلی عملاً سپاه را به حوزه دفاع ملی سوق داد و بدین ترتیب سپاه به یکی از مهم‌ترین ارکان نظام جمهوری اسلامی ایران تبدیل شد. بنابراین سپاه علاوه بر حفظ امنیت ملی، مسئولیت حفظ و تقویت ارزش‌های انقلابی را در داخل کشور و صدور انقلاب به خارج را برعهده گرفت. در این زمینه دفتر جنبش‌های آزادیبخش نقش مهمی را ایفا کرده و عملاً حمایت از جنبش‌های اسلامی در خارج از کشور به صورت جدی پیگیری شد. نویسنده در ادامه گزارش تلاش کرده است تا برخی اقداماتی که در دوره‌های گذشته در منطقه صورت گرفته را به دفتر جنبش‌های آزادیبخش منتسب کند و نقش نیروهای آن را در حوادثی مانند دستگیری تعدادی از حجاج ایرانی در ۱۹۸۶، ربوده شدن کاردار سفارت سوریه در تهران، افشای ماجرای ایران‌کنترا مورد تأکید قرار

1. Michael Rubin, "Iran's Revolutionary Guard: A Rogue Outfit", Middle East Quarterly, Fall 2008.

۲. از مهم‌ترین فصلنامه‌های معتبر در حوزه خاورمیانه.



دهد. در ادامه، نویسنده معتقد است که نیروی قدس سپاه، در واقع جایگزین دفتر جنبش‌های آزادیبخش است که مسئولیت صدور انقلاب در خارج از کشور را برعهده دارد. مسئله صدور انقلاب و ارزش‌های آن از نظر نویسنده، یک اصل تغییرناپذیر برای همه جریان‌های سیاسی ایران است که تنها در شیوه اجرای آن تفاوت‌هایی میان آنان وجود دارد زیرا که می‌توان آن را با دو رویکرد ترویجی (سخت‌افزاری) و تبیینی (نرم‌افزاری) عملیاتی کرد. در ادامه گزارش نویسنده معتقد است که صدور انقلاب نه تنها یک مسئله تئوریک و محدود به همایش‌ها و سخنان سیاسی و دینی در درون ایران است بلکه برخی اقدامات ایران در خارج از کشور نیز در این راستا صورت گرفته است. در این زمینه نویسنده سعی کرده است تا اتهاماتی مانند مسئله میکونوس، آمیا و ... را به این موضوع مرتبط کند و به توضیح آن بپردازد. همچنین نویسنده به طرح اتهامات دیگری مانند مداخله ایران در عراق نیز اشاره می‌کند. به اعتقاد نویسنده با سقوط صدام در عراق، نیروهای قدس عملاً نقش مهمی در تحولات عراق داشته است. چنانچه در این زمینه حمایت آنان از جنبش المهدی نیز پیگیری شده است.

نویسنده در ادامه گزارش اتهامات بی‌پایه و اساسی را که همواره مقامات آمریکایی در مورد ایران مطرح می‌کنند را مورد تأکید قرار داده است. از سوی دیگر نویسنده با اشاره به ماجرای دستگیری ملوانان انگلیسی، به ماجرای گروگانگیری سفارت آمریکا در سال ۱۹۷۹ اشاره می‌کند و در این زمینه نیز بر نقش مؤثر سپاه تأکید می‌کند. نویسنده در پایان گزارش با تأکید بر نقش سپاه در ساختار نظام جمهوری اسلامی ایران، آن را عامل اصلی اجرای بخش‌هایی از سیاست خارجی ایران در دوره‌های مختلف دانسته است.



شماره مسلسل: ۹۳۶۹

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: ماهنامه کاوش (۲۰)

Report Title: Kavosh (20)

نام دفتر: مطالعات سیاسی

تهیه و تدوین: محمود هاشمی چمگردانی

ناظر علمی: ناصر جمالزاده

منتقاضی: معاونت پژوهشی

ویراستار تخصصی: مهدی جاودانی مقدم

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی و معادل انگلیسی آنها: —

تاریخ انتشار: ۱۳۸۷/۹/۱۶